

## یادداشت

## نه هامون ماند و نه دریا

<div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>	<div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>
<span><span>سام خسروی فرد</span></span>	

«خیالپرداز حقیقت را نزد خود انکار می کند و دروغگو نزد دیگران ».

فردریش نیچه وضعیت تالاب هامون رقت‌بازتر از آن است که حتی بتوان برایش مرثیه‌سرایی کرد. بیش از ۸ سال خشکسالی بهترین بهانه است برای نبود مدیریت صحیح منابع آب در این سامان. اما مهم‌تر از خشکسالی‌های بی‌دریی، آنچه کمتر مورد بحث قرار می‌گیرد میزان حقابه ایران است؛ حقابه‌یی که سال‌هاست برادران افغان از سرازیر شدن آن به ایران جلوگیری می‌کنند. آنان نیز مدتی خشکسالی و مدتی بعد جنگ و نزاع و حضور اجانب ینگه‌دانیی را بهانه کردند. از معاهده‌یی که بین ایران و افغانستان به امضا رسید تا حقابه هامون‌ها و زادگاه رستم دستان رعایت شود، نزدیک ۳۳ سال می‌گذرد. در زمان نخست‌وزیری امیرعباس هویدا این معاهده تنظیم و امضا شد. البته مدیران ایرانی آن زمان به این معاهده بسنده نکردند و با یاری گرفتن از تیم‌های کارآزموده ژاپنی (و نه دست توانگر وطنی) با احداث چاه‌نیمه‌ها در نزدیکی زابل درصدد بودند هر گونه بدقلقی احتمالی افغان‌ها را پیشاپیش چاره‌یی به دست کرده باشند. وظیفه اساسی این چاه‌نیمه‌ها انباشت و نگهداری آب برای مردم زابل بود. بی‌تردید پس از ۸ سال خشکسالی نمی‌توان انتظار معجزه داشت و این مخازن را همچنان پرآب دید. رئیس پژوهشکده تالاب بین‌المللی هامون در دانشگاه زابل در مصاحبه‌یی گفته است: «مشاء آب هامون از افغانستان است اما به دلیل ممانعت افغانستان از ورود آب هیرمند به ایران، در حال حاضر تنها ۵درصد از کل مجموعه تالاب دارای آب است، از این رو باید قوانینی وضع شود تا سهم ایران از هیرمند گرفته و از ناپودی این تالاب بین‌المللی و پرندگان مهاجر جلوگیری شود. گرفتن این سهم به عزم بین‌المللی بحران آب در زابل به همین منظور برگزار خواهد شد تا با حضور مسوولانی از کشور افغانستان، رژیم حقوقی هیرمند مورد بررسی قرار گیرد. »

زمان شامحمدی حیدری به نکته درستی اشاره کرده است؛ چاره‌کار این است که برادران افغان رضای شوند حقابه را رعایت کنند وگرنه قانون و مصوبه، چنان که او گفته است، چگونه می‌تواند هامون را از مرگ نجات دهد. بهره‌گیری از عزم فراملی – به استناد حرف‌های مصاحبه‌شونده– یکی از بهترین راه‌های حل این معضل است اما نه با کلی‌گویی. با یک بررسی اجمالی می‌توان دریافت که افغانستان در حال حاضر سر بر بالین امریکا می‌برد و ایران با چین، کره شمالی، روسیه و چند کشور دیگر روی خوش‌تر دارد. به نظر می‌رسد زمانی‌به‌تعمیر شرایط می‌توان دل‌خوش کرد که شرطین‌بازان عرصه سیاست ایران چند روزی در زابل و روستاهای پیرامون همچون مردمان دل‌آور آن دیار، بدون تشریفات و توجه ویژه افراد خاص، سپری کنند و با گوشت و پوست و استخوان وضعیت دشوار زندگی در جنوب شرق ایران را دریابند. موضوع، تنها تالاب هامون و پرندگانش نیست. مردمی در آن نواحی زندگی می‌کنند که ایرانی‌اند و هموطن خطاب می‌شوند. بدین ترتیب لازم است قبل از عزم فرامنطقه‌یی و بین‌المللی، عزم ملی و وطنی به وجود آید، سپس می‌توان به همان معاهده سال ۱۳۴۵ استناد کرد و با دیپلماسی صحیح گام به گام پیش رفت. در این ارتباط هم لازم است وزارت خارجه پیشقدم شود، که البته چون آب و منابع آب در حوزه اختیارات وزارت نیرو است، توپ در زمین این وزارتخانه می‌افتد و از آنجایی‌که هامون حائز عنوان تالاب بین‌المللی است، لابد به سازمان محیط‌زیست پاس داده می‌شود تا اداره امور را در عنان اختیار خود گیرد.

بدین ترتیب چرخه باطلی شکل می‌گیرد که در نهایت نه هامون می‌ماند و نه دریا. شامحمدی حیدری به اهمیت تالاب هامون در زندگی مردم اشاره کرده و گفته است تا توجه به این اهمیت، پژوهشکده تالاب بین‌المللی هامون از سال قبل با مجوز وزارت علوم فعالیت‌های خود را با سه گروه پژوهشی منابع آب، اکوسیستم آب و شیلات آغاز کرده است. پیش از آنکه تحقیقات مورد نظر گوینده، مهم باشد و برای آن رئیس و متوس بوده‌گردد، ردیف در نظر بگیرند، حیات و بقای هامون واجد اهمیت است. ای کاش توان و هزینته، سرمایه و وقت –که لاید، الی‌الابد در ایران موجود است– صرف آن می‌شد تا زندگی بار دیگر در هامون جریان یابد.

## خبر

## تالاب کافر کاملاً خشک نشده است

تالاب کافر هنوز کاملاً خشک نشده است و در ۳۰درصد آن حیات جریان دارد. معاون محیط طبیعی اداره کل محیط‌زیست استان فارس گفت: در اخبار آمده بود که دریاچه کافر کاملاً خشک شده است اما طبق گزارش روز گذشته سرپرست منطقه، هنوز بین ۲۰ تا ۳۰ درصد دریاچه زنده است. حمید ظهرابی در گفت‌وگو با پایگاه خبری فضای سبز و محیط زیست ایران (سبزپرس) گفت: علاوه بر این ۲۵ هزار پرنده نیز کوچ زودهنگام خود را آغاز کرده‌اند و در حال حاضر در تالاب به سر می‌برند که شامل گونه‌های چنگر، اردک سر سبز، فلامینگو، درنای خاکستری، آبیچلیک، چوب‌پا و حواصیل هستند. احتمالاً کوچ زودهنگام این پرندگان به دلیل خشکسالی است. وی دربارۀ احتمال خشک شدن تالاب کافر گفت: با اینکه هنوز دریاچه زنده است، اما احتمال خشک شدن آن وجود دارد. فعلاً سطح آب پایین آمده و بین ۷۰ تا ۸۰ درصد آن خشک شده است اما بعید نیست به دلیل تخریب سطحی آب، دریاچه کاملاً خشک شود.



حمیدرضا میرزاده: قدیمی‌ترها یادشان هست وقتی به استان گیلان و شهرستان انزلی سفر می‌کردند، با آبگیری طبیعی و بسیار بزرگ مواجه می‌شدند که به «مرداب انزلی» (پهلوی) معروف بود. این مرداب هنوز هم وجود دارد و در کنار ساحل بندر انزلی و طبیعت زیبای منطقه، از مهم‌ترین جاذبه‌های توریستی شمال کشور به حساب می‌آید. امروزه دیگر در متون علمی و مطبوعاتی به آن آبگیر بزرگ، «مرداب» نمی‌گویند بلکه واژه‌یی جامع‌تر به نام «تالاب» به آن اطلاق می‌شود. طبق یک تعریف جامع، تالاب به مناطق طبیعی مردابی، آبگیر یا برکه‌های مصنوعی گفته می‌شود که به طور دائم یا موقت دارای آب هستند. فرقی نمی‌کند آب آنها ساکن یا جاری یا اینکه شیرین یا شور باشد. البته مناطقی از دریاها نیز جزء تالاب‌ها به حساب می‌آیند با این شرط که عمق آنها هنگام پایین‌ترین جذب آب، کمتر از شش متر باشد. در واقع کلمه تالاب از ترکیب دو کلمه «تال» به معنی آبگیر و «آب» ساخته شده است. «تال» در گویش گیلکی به معنای نیلوفر آبی نیز آمده است.

**چرا تالاب‌ها مهم هستند**

بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران علوم طبیعی و اکولوژی معتقدند انسان‌ها هنوز نتوانسته‌اند به درستی و به‌صورت کامل به اهمیت تالاب‌ها پی ببرند و آنچه ما به عنوان فواید تالاب‌ها می‌دانیم تنها بخش کوچکی از شناخت این مواهب الهی است و بخش عمده فواید تالاب‌ها هنوز برای بشر روشن نشده است. اما با همین شناخت محدود انسان از طبیعت، می‌توان فواید بسیاری را برای تالاب‌ها برشمرد.

از نظر اکولوژیک، تالاب‌ها اهمیت بسیار زیادی دارند. ضرب‌المثل «هر جا که آب هست، آبادانی هم هست» را همه شنیده‌ایم. در واقع تالاب‌ها کانون حیات و شناخت این مواهب الهی است و بخش عمده فواید تالاب‌ها هنوز برای بشر روشن نشده است. اما با همین شناخت محدود انسان از طبیعت، می‌توان فواید بسیاری را برای تالاب‌ها برشمرد.

از نظر اکولوژیک، تالاب‌ها اهمیت بسیار زیادی دارند. ضرب‌المثل «هر جا که آب هست، آبادانی هم هست» را همه شنیده‌ایم. در واقع تالاب‌ها کانون حیات و شناخت این مواهب الهی است و بخش عمده فواید تالاب‌ها هنوز برای بشر روشن نشده است. اما با همین شناخت محدود انسان از طبیعت، می‌توان فواید بسیاری را برای تالاب‌ها برشمرد.

تالاب‌ها به‌عنوان مخازن بزرگ بر سر راه سیلاب‌های ویرانگر قرار می‌گیرند و موجب کاهش بلایای طبیعی می‌شوند. آنها با تبخیر و ایجاد رطوبت در هوا، از حرارت زیاد می‌کاهند و در زمستان سرمای بیش از حد را کاهش می‌دهند. یکی دیگر از عملکردهای جالب تالاب‌ها تصفیه و پالایش است. رودخانه‌هایی که به تالاب‌ها می‌ریزند، اگر حامل مواد آلاینده، سموم و … باشند، وقتی وارد تالاب می‌شوند، به دلیل جریان آرام و بعضاً ساکن آب در تالاب، آلاینده‌های خود را ته‌نشین کرده و در کف تالاب ساکن می‌کنند. بسیاری از این مواد تجزیه شده و به مصرف گیاهان درون و اطراف تالاب می‌رسند. به این ترتیب آب در تالاب‌ها آلودگی کمتری داشته و از کیفیت بالاتری برخوردار است. پالایندگی تالاب البته فقط محدود به آب نمی‌شود. گیاهان اطراف تالاب در فرآیند فتوسنتز، دی‌اکسیدکربن موجود در هوا را دریافت کرده و کربن آن را در خود ذخیره می‌کنند. به علاوه برگ‌های خزان‌زده و شاخ و برگ گیاهان در کف تالاب انباشته شده و پس از تجزیه، کربن موجود در آنها در کف تالاب ذخیره می‌شود. به این صورت تالاب‌ها در جذب دی‌اکسیدکربن که یکی از گازهای گلخانه‌یی و عامل گرم شدن زمین است نقش بسزایی دارند.

به مسائل بالا، چشم‌انداز زیبای تالاب‌ها را نیز اضافه کنید. این مناطق، تفرجگاه‌های پرطرفداری هستند و می‌توانند برای ساکنان اطراف تالاب، سدهای اقتصادی زیادی از راه توریسم به ارمغان بیاورند. همچنین نزد جانورشناسان، گیاه‌شناسان، زمین‌شناسان و دانشمندان رشته‌های علوم طبیعی، تالاب‌ها مناطق پراهمیتی برای تحقیقات علمی به شمار می‌آیند. همان‌طور که نقل آن رفت بسیاری از گونه‌های نادر گیاهی و جانوری در تالاب‌ها قابل مشاهده و تحقیق هستند.

**حفاظت از تالاب‌ها**

توجه به تالاب‌ها و اهمیت آنها در حیات کره‌زمین از اواسط دهه ۶۰ میلادی آغاز شد. بهتر بگوییم توجه جدی به مسائل زیست محیطی از این سال‌ها آغاز شد. انقلاب

## محیط زیست



صنعتی باعث شده بود انسان فقط به پیشرفت توجه کند اما در دهه ۱۹۶۰ آتقدرد میل به توسعه و پیشرفت در بشر بالا گرفته بود که مساله محیط‌زیست و محدودیت منابع به کلی از خاطر انسان پا شد که بود.

در اواخر این دهه شخصی به نام راشل کارسون کتابی نوشت و در آن با قلمی توانا تصویری از وضعیت آن زمان امریکا را به رشته تحریر درآورد. کتاب او «بهار خاموش» نام داشت. هر چند کارسون در کتابش تنها به اثرات سموم دفع آفات گیاهی و خطرات ناشی از استفاده بی‌رویه آنها اشاره کرده بود، اما همین اشاره کافی بود تا علاقه‌مندان به طبیعت را به جنب و جوش وادارد. دیگر انسان‌های ساکن زیست‌کره به مساله‌یی به نام محیط‌زیست حساس شده بودند، اثرات زیانبار بی‌توجهی به آن را می‌دیدند و عده‌یی نیز با جدیت سعی در ترمیم تخریب‌ها داشتند.

بحث‌های زیست‌محیطی آتقدرد در محافل کوچک و بزرگ بین‌المللی بالا گرفت تا اینکه اولین قرارداد بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست شکل گرفت. جالب است بدانید این قرارداد در مورد تالاب‌ها بود و دولت وقت ایران بنیانگذار آن بود. این قرارداد در پی اجلاس شکل گرفت که شروع آن در دوم فوریه ۱۹۷۱ (برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۴۹) و در شهر رامسر اتفاق افتاد.

حاصل این اجلاس بین‌المللی، کنوانسیونیی بود که با هدف حفظ تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی برای زیستگاه‌های آنی منعقد شد و به خاطر اینکه در شهر رامسر به وجود آمد به «کنوانسیون رامسر» معروف شد. پس ایران پیشقدم اولین حرکت‌های جهانی در حفظ محیط‌زیست و به خصوص تالاب‌ها بود. در رامسر پس از این اجلاس، سندی تنظیم شد که به دولت‌ها پیشنهاددهایی را در جهت حفظ تالاب‌های با اهمیت می‌داد. کنوانسیون‌ها در ابتدا برنامه‌یی پیشنهادی هستند که مشارکت اولیه دولت‌ها در این برنامه به صورت داوطلبانه است اما اگر تعداد دولت‌های عضو از حد مشخصی بیشتر شود این برنامه پیشنهادی تبدیل به دستور العمل شده و اصطلاحاً لازم‌الاجرا می‌شود. برای کنوانسیون رامسر نیز چنین اتفاقی افتاد.

در اواخر ۱۹۷۵، وقتی دولت وقت یسوان با امضای کنوانسیون رامسر کشورش را به عضویت آن درآورد، در این جنگل‌های با قابلیت برداشت چوب، محتاج تالاب‌ها در اصل کنوانسیون رامسر ساز و کاری را فراهم می‌کند که از طریق آن، دولت‌ها بتوانند در حفظ تالاب‌هایشان مشارکت و مشورت کنند. مثلاً از طریق صندوقی که برای این کنوانسیون در سازمان ملل متحد شکل گرفته، برای محافظت از تالاب‌هایشان وام بگیرند یا از تجربیات دیگر کشورهای عضو بهره ببرند و مشاوره علمی بگیرند.

تا امروز ۱۵۸ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند و با معرفی ۱۷۵۷ تالاب در سراسر جهان مساحتی بیش از ۱۶۱ میلیون هکتار را تحت پوشش قرار داده‌اند. به فهرستی که تالاب‌های مهم جهان در آن ثبت می‌شوند، «لیست یا سایت رامسر» می‌گویند. اما ممکن است بعضی از تالاب‌های ثبت شده به خاطر شرایطی مثل بهره‌برداری نادرست، جنگ، جفایح زیست‌محیطی، خشکسالی و … در معرض خطر قرار بگیرند. به همین خاطر فهرست دیگری تهیه شد که به «فهرست مونتر» معروف است. در فهرست مونتر و اسامی تالاب‌هایی که در معرض خطر هستند نوشته می‌شود و دفتر کنوانسیون رامسر از دولت‌های عضو می‌خواهد با کمک‌های علمی و مالی به کشور صاحب تالاب کمک کنند از مرگ تالاب جلوگیری شود.

انتخاب یک تالاب برای ثبت در سایت رامسر شرایط خاصی دارد. تالاب باید از نظر اکولوژی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، هیدرولوژیکی و … موقعیت خاصی داشته باشد مثلاً باید نماینده یک اکوسیستم نادر و خارق‌العاده باشد یا اینکه دارای ارزش ویژه‌یی برای بقای تنوع زیستی یک منطقه باشد. البته وسعت تالاب اهمیت چندانی در ثبت برای لیست رامسر ندارد. تالاب‌هایی هستند که چندین میلیون هکتار وسعت دارند و بعضی دیگر وسعت‌شان به زحمت بیش از هزار متر مربع است. آنچه مهم است اثر تالاب در منطقه و اهمیت آن است که برای ثبت مورد توجه قرار می‌گیرد.

**تالاب‌های ایران**

تاکنون ۲۲ تالاب از کشورمان در لیست رامسر قرار گرفته‌اند. ۱۸ تالاب در سال ۱۹۷۵ به صورت یکجا به ثبت رسیدند که جزء اولین تالاب‌های ثبت شده جهان است.

۱- **دریاچه‌های آلاکل، الماکل و آجی‌کل**: هر سه در دشت ترکمن صحرا و در مجاورت ترمز ترکمنستان قرار دارند. ۱۴۰۰ هکتار وسعت داشته و امروزه در لیست مونتر قرار دارند. ثبت در فهرست رامسر به ۱۹۷۵ باز می‌گردد.
۲- **تنگه خوران**: یکصد هزار هکتار وسعت این تالاب دشت ترکمن صحرا و در مجاورت ترکمنستان قرار دارند. ۱۴۰۰ هکتار وسعت داشته و امروزه در لیست مونتر قرار دارند. ثبت در فهرست رامسر به ۱۹۷۵ باز می‌گردد.
۳- **تنگه خوران**: یکصد هزار هکتار وسعت این تالاب دشت ترکمن صحرا و در مجاورت ترکمنستان قرار دارند. ۱۴۰۰ هکتار وسعت داشته و امروزه در لیست مونتر قرار دارند. ثبت در فهرست رامسر به ۱۹۷۵ باز می‌گردد.

۴- **دلتای رود شون، رود شیرین، رود میناب**: در استان هرمزگان با وسعت ۴۵ هزار هکتار در ۱۹۷۵ به ثبت رسید.
۵- **دلتای رود گز و رود حرا**: این تالاب‌ها در شمال شرقی هرمز گز واقع شده‌اند و با مساحت ۱۵ هزار هکتار

## تالاب‌های ایران

## سقایان تشنه



در ۱۹۷۵ به ثبت رسیده‌اند.

۱۸- **تالاب گاوخونی و تالاب‌های زاینده‌رود**: جمعاً به مساحت ۴۳ هزار هکتار در استان اصفهان واقعند و در ۱۹۷۵ به ثبت رسیده‌اند.

۱۹- **خلیج گواتر و هورپایو**: در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. وسعت آن ۷۵ هزار هکتار است و اولین تالایی است که پس از انقلاب اسلامی در ۱۹۹۹ به ثبت رسید.

۲۰- **جزیره شیدور**: شیدور جزیره‌یی کوچک در شرق جزیره لاوان در استان هرمزگان است که با ۸۷۰ هکتار وسعت، در واپسین روزهای قرن بیستم (۲۹ دسامبر ۱۹۹۹) به ثبت رسید.

۲۱- **گمیشان**: این تالاب در سال ۲۰۰۱ با وسعت ۱۷۷۰۰ هکتار در فهرست به ثبت رسید. گمیشان در استان گلستان قرار دارد.

۲۲- **فریدون کنار، آب‌بندهای سرخ رود و رازباران**: این مجموعه تالابی به عنوان آخرین تالاب‌های ایرانی سال ۲۰۰۳ در فهرست رامسر ثبت شده‌اند. وسعت آنها ۵۴۲۷ هکتار است و در استان مازندران قرار دارند.

از این ۲۲ تالاب، هفت تالاب با عنوان در معرض خطر در فهرست مونتر قرار گرفته‌اند. البته وضعیت تالاب‌هایی نیز که در فهرست مونتر قرار نگرفته‌اند مناسب نیست و با پیشرفت همین روند، اضافه شدن تمامی تالاب‌های ثبت‌شده کشور به فهرست مونتر و اتفاقی دور از ذهن نیست. در سال جاری به علت کاهش بارندگی‌های بهاری، در بسیاری از محافل علمی، صحبت از خشکسالی به میان آمد. نباید فراموش کنیم کشور ما روی گم‌برند خشک کره زمین قرار گرفته است. حتی مناقشه‌یی هم بر سر اینکه گرم‌ترین نقطه کره‌زمین در ایران (دشت کویر) است نیز وجود دارد. با این اوصاف کشور ما بدون هیچ شکی کشوری است خشک با میزان بسیار کم رطوبت که می‌کند. نام این تالاب منحصر به فرد نیز در لیست مونتر و قرار گرفته است.

۶- **تالاب شادگان**: در واقع این تالاب ۴۰۰ هزار هکتاری، ادامه تالاب بسیار بزرگ «هورالعظیم» در کشور عراق است. هورالعظیم تنها تالاب ثبت‌شده عراق در رامسر است. تالاب شادگان به ۱۹۷۵ به ثبت رسید و هم‌اکنون در فهرست مونتر قرار دارد.

۷- **هامون صابری**- آنچه باعث شده در سال جاری بیش از هر سال دیگری کمبود آب را احساس کنیم و گناه را به گردن اقلیم و خشکسالی بیندازیم، مدیریت غلط منابع آب است. همان مدیریتی که ورودی آب مخازن طبیعی را با سدهای متعدد مسدود می‌کند و اجازه می‌دهد حجم عظیمی از آب قابل استفاده، بی‌جهت تبخیر شود.

اگر به تاریخ رجوع کنیم، گذشتگان ما به خوبی راه ذخیره و مدیریت منابع آب را در این اقلیم گرم و خشک دریافته بودند. آنها از کازیر استفاده می‌کردند تا جلوی تبخیر آب را بگیرند. متأسفانه امروزه بزرگ‌ترین تهدید تالاب‌های کشور، مدیریت نادرست منابع آب است. به طوری که در حال حاضر دریاچه ارومیه در حال خشک شدن است، آن هم به دلیل وجود ۱۴ سد روی رودی‌های دریاچه. ممکن است تصورش سخت باشد، اما امکان‌پذیر است. مشابه همین اتفاق برای دریاچه آرال در روسیه افتاد. زمانی که کشور شوراهای پنبه را طلالی سفید نام نهاد و وضعیت منابع آب می‌کرد و به زمین‌های پنبه می‌برد. حدس زدن بقیه ماجرا کار سختی نیست. پنبه‌ها خشک شدند و زمین‌های پنبه به شور شدند و دیگر قابل کشت نبودند. آری، آرزوهای رهبران کمونیسم ناکام ماند و سرخوشی‌شان از تولید انبوه پنبه فقط چند سالی بیشتر دوام نداشت. وضعیت منابع آب ایران نیز دست کسی از شوروی سابق ندارد. به جرات می‌توان گفت هیچ تالایی در ایران (چه ثبت شده در رامسر و چه ثبت نشده) از گردن توسعه‌ناپایدار در امان نمانده است. هنوز دو ماه از خشک شدن تالاب استیل آستانرا نگذشته، تالاب هامون هم برای بار دوم در چند سال اخیر به کلی خشک شده است. تالاب میقان اراک در نیردی نابرابر با آلاینده‌های صنایع اطرافش دست و پنجه نرم می‌کند و قصه تالاب انزلی و ارومیه و بختگان و پریشان و … راه همگان می‌دانند. و این سرزنش‌شدن تالاب‌های کشوری شد که خود اولین بار پاشته‌ها را برای نجات و حفظ تالاب‌هایش کشید.

## خبر

### گاوخونی نفس‌های آخر را می‌کشد

عمق تالاب بین‌المللی گاوخونی به علت کم‌آبی از یک متر به ۱۰ سانتیمتر رسیده است. کارشناس مسوول محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان با اشاره به اینکه خشکی تالاب بین‌المللی گاوخونی ریشه در عواملی غیر از بحران خشکسالی امسال دارد، گفت: در سال‌های پرآب نیز به علت افزایش جمعیت و انتقال آب رودخانه زاینده‌رود به شهرهای مختلف و توسعه زمین‌های کشاورزی، صنایع و شهرک‌های صنعتی، تالاب گاوخونی با مشکل خشکی روبه‌رو بود. مریم فرهمند در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه ۲۰ سال پیش در فصل مهاجرت گاوخونی میزبان بیش از ۱۰۰ هزار پرنده بود، افزود: در حال حاضر لکه‌های کوچک آب تالاب تنها حدود ۲۰۰ قطعه فلامینگو را در خود جای داده است. فرهمند تصریح کرد: حیات زیست‌محیطی تالاب بین‌المللی گاوخونی در معرض خطر جدی قرار گرفته است و تنها لکه‌هایی از آب در این تالاب وجود دارد که با توجه به خشکسالی موجود، گاوخونی روزبه‌روز در حال خشک شدن است. این کارشناس محیط زیست استان اصفهان با اشاره به اینکه در تابستان امسال مقرر شد تنها ۳۰ تا ۳۵ متر مکعب آب در ثانیه از سد زاینده‌رود به سمت رودخانه رها شود، گفت: ۱۲ متر مکعب از این میزان آب رها شده به آب آشامیدنی اختصاص دارد و به سمت تصفیه‌خانه باباشیخ علی هدایت می‌شود و مابقی آب نیز در اولویت دوم به صنایع بزرگ همچون شرکت سهامی ذوب آهن و مجتمع فولاد مبارکه اختصاص یافته است. فرهمند تصریح کرد: از این میزان آب رها شده نه‌تنها هیچ آبی به تالاب نمی‌رسد، بلکه خود رودخانه زاینده‌رود نیز از جاری شدن آب بی‌بهره است. وی در ادامه با اشاره به اکوسیستم آبی رودخانه زاینده‌رود افزود: نبود آب داخل زاینده‌رود بستر حیات کف‌زبان، سخت‌پوستان و ماهی‌مارگ‌هاگان آبی را با خطر نابودی مواجه می‌کند. فرهمند با اشاره به اینکه آب رها شده در رودخانه زاینده‌رود در پایین‌بند در محل بند پارسان به سمت کانال‌های کشاورزی و آب به گاوخونی نمی‌رسد، خاطرنشان کرد: تنها از سمت ورزته آب‌های کشاورزی و جریان‌های زیر سطحی وارد تالاب می‌شوند.

## منبع

### سمندر لروستان را دریابید



سمندر کوهستانی لرستان نام گونه‌یی است بسیار زیبا که با طول ۱۴ سانتیمتر در نزدیکی شهبازان لرستان زیست می‌کند. سمندری که بر پشت خود خال‌ها یا نوارهای زرد یا نارنجی چشمگیر روی زمینه قهوه‌یی دارد که باعث زیبایی بیش از حد این موجود در محیط‌زیست ایران می‌شود. به گزارش زیستا صید بی‌رویه این گونه آندمیک ایرانی باعث شده است این گونه بی‌ظنیر لرستانی در شدت در معرض انقراض قرار بگیرد. بیان این موضوع تلخ که محیط‌زیست ایران به زودی سمندر لرستانی خوشش را برای همیشه از دست می‌دهد بسیار وحشتناک و تأسف‌آور است. این در شرایطی است که بسیاری از کشورهای اروپایی و امریکایی برای تکثیر و پرورش سمندر لرستان هزینه‌های بسیار زیادی صرف می‌کنند. برای مثال دولت آلمان برای تحقیق و تکثیر این گونه اصیل ایرانی میلیون‌ها دلار به آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های خود خرج کرده تا استادان و دانشجویان کشورش بتوانند با کمی آسوده‌روی این گونه با ارزش کار کنند. در حال حاضرسمندر لرستانی در کشوری مانند کره جنوبی بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ دلار خرید و فروش می‌شود. اینک با توجه به این موضوع حساس انتظار می‌رود توجه مسوولان به این گونه فراموش شده لرستانی بیشتر شود و برای تکثیر و پرورش این گونه بی‌ظنیر برنامه‌های مستحکمی با طراحی کنند تا با رودی شاهد احیای این موجود دوست‌داشتنی در زیستگاهی امن باشیم.

## منبع

## جنگل‌های مانگرو در خطر انقراض

جنگل‌های مانگرو در سیستان و بلوچستان یکی از مناطق زیبا و ناشناخته این استان است که علاوه بر بحث گردشگری، یکی از اکوسیستم‌های غنی دنیا نیز محسوب می‌شود و تنها تعداد اندکی از کشورهای دنیا این اکوسیستم زیبا و ارزشمند بهره می‌برند. غلامرضا اعتمادی ناسب کارشناس جنگل اداره منابع طبیعی سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با ایسنا گفت: جنگل‌های مانگرو و آب‌های مانگرو از قبیل زنده‌زایی، جداسازی آب‌های شیرین از آب‌های شور، حفاظت از آب‌های شیرین، قدرت ریشه‌دوانی سریع به محض تماس با خاک و استعداد تبادل‌ات گازی توسط سیستم‌های ریشه‌یی، قادرند در شرایط سخت زنده بمانند. اعتمادی ناسب افزود: یکی از مناطق زیبا و ناشناخته استان، جنگل‌های مانگرو گونه حرا در خلیج گواتر در ۱۵۰ کیلومتری شرق جابهار است که در کرانه‌های دریای عمان قرار دارد. اعتمادی ناسب اظهار کرد: جنگل‌های مانگرو یکی از مشخصه‌های بارز گیاهی مناطق گرمسیر محسوب می‌شوند که در طول سواحل در مناطق حاره‌یی و نیمه‌حاره‌یی رشد می‌کند و رویشگاه اصلی گونه حرا در استان در خلیج گواتر با مساحت بالغ بر ۱۰ کیلومتر مربع است که براساس نظریه بعضی از کارشناسان جنگل نباید این کشتی قدیمی‌ترین و اولین منطقه‌یی باشد که گونه حرا در این منطقه مستقر شده باشد و انتشار آن به سایر نقاط کشور از این منطقه صورت گرفته است.